

## بسم الله الرحمن الرحيم

### ایران و آمریکا؛ مذاکره یا دستورات و اجرای سناریوی از قبل نوشته شده؟

#### (ترجمه)

#### خبر:

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا روز چهارشنبه ۹ آوریل ۲۰۲۵ بار دیگر ایران را تهدید کرد که در صورت عدم موافقت با پایان دادن به برنامه هسته‌ای‌اش از گزینه نظامی استفاده خواهد کرد.

ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران در دفتر کار خود در کاخ سفید گفت: «ما اجازه نخواهیم داد ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد و اگر توافقی حاصل نشود گزینه نظامی روی میز است». او همچنین تأکید کرد که کیان یهود (اسرائیل) نیز در صورت عدم توافق در اقدام نظامی علیه ایران مشارکت خواهد داشت. وی گفت: «اسرائیل فرمانده حمله نظامی به ایران خواهد بود اگر تهران از برنامه هسته خود دست نکشد.»

در جریان دیدار ترامپ با نخست‌وزیر کیان یهود بنیامین نتانیاهاو که روز سه‌شنبه در دفتر بیضی کاخ سفید انجام شد، رئیس‌جمهور آمریکا از ایران خواست تا در مذاکراتی که انتظار می‌رود در کشور عمان برگزار شود به توافق برسد. او در این رابطه اظهار داشت: «اگر مذاکرات موفق نشود واقعاً فکر می‌کنم آن روز برای ایران روز بسیار بدی خواهد بود.»

#### تبصره:

آمریکا در سال‌های گذشته به ایران اجازه داد تا در مناطقی مانند لبنان، عراق، یمن و سوریه نفوذ پیدا کند اما نه برای منافع ایران؛ بلکه برای تحقق اهداف بزرگ خود در منطقه. در واقع این نفوذ بخشی از بازی بزرگتر آمریکاست و ایران عملاً در مدار سیاست‌های واشنگتن می‌چرخد. ایران در این معادله نه یک بازیگر مستقل بلکه مهره‌ای است در چارچوب طرح‌های آمریکا.

با وجود تمام خدمات بزرگی که ایران طی سال‌ها به آمریکا ارائه داد، از جمله کمک به بیرون راندن نفوذ فرانسه در لبنان از طریق حزب‌الله، فراهم کردن زمینه سلطه آمریکا بر عراق پس از اشغال آن در سال ۲۰۰۳ و حذف نقش بریتانیا، تلاش برای تضعیف نفوذ لندن در یمن از طریق گروه حوثی‌ها و همراهی با عربستان تا حفظ رژیم وابسته به آمریکا در سوریه به مدت چندین سال، اکنون واشنگتن تصمیم گرفته تمام این امتیازها را از ایران پس بگیرد.

انگار آمریکا به ایران می‌گوید: «ما دیگر به خدمات تو نیازی نداریم هرچه نفوذ به تو داده بودیم، پس بگیر و برو، حتی منتظر تشکر هم نباش.» این رویکرد ماهیت ابزارگونه رابطه آمریکا با ایران را برملا می‌سازد؛ رابطه‌ای که در آن تا زمانی که تهران در راستای منافع واشنگتن حرکت می‌کرد، میدان عمل داشت؛ اما حالا که ورق برگشته دیگر جایگاهی برایش باقی نمانده است.

آمریکا امروز دیگر حتی تظاهر به حمایت از نفوذ ایران در منطقه هم نمی‌کند، در لبنان دست ایران رها شده و آمریکا بی‌تفاوت نظاره‌گر تضعیف تدریجی حزب‌الله است؛ حزبی که فرماندهانش یکی پس از دیگری هدف قرار گرفته، ترور می‌شوند و از پا درمی‌آیند. در سوریه ایران با تحقیر و بی‌سرو صدا ناچار به عقب‌نشینی شد و حالا نوبت یمن رسیده است.

بر اساس گزارش منتشر شده در روز پنجشنبه ۳ آوریل ۲۰۲۵ از روزنامه بریتانیایی تلگراف به نقل از یک مقام بلندپایه ایرانی، تهران تصمیم گرفته نیروهای نظامی‌اش را از یمن خارج کرده و حمایت از جنبش حوثی‌ها را متوقف کند. این عقب‌نشینی دقیقاً هم‌زمان است با تشدید حملات هوایی آمریکا علیه مواضع حوثی‌ها و تهدیدات تازه دونالد ترامپ علیه ایران مبنی بر اینکه باید فوراً دست از حمایت این گروه بردارد.

در این میان نیروهای شبه‌نظامی وابسته به ایران در عراق نیز با نگرانی و بی‌اطمینانی از آینده خود مواجه‌اند، آن‌ها اکنون احساس می‌کنند بی‌پشتوانه رها شده‌اند و نمی‌دانند چه سرنوشتی در انتظارشان است. این تحولات نشان می‌دهد که آمریکا پس از بهره‌برداری کامل از نقش ایران اکنون به‌طور کامل در حال بیرون راندن آن از صحنه سیاسی و نظامی منطقه است، بی‌هیچ پاداشی و حتی با تهدید و فشار.

اکنون تهدیدات دیگر فقط در بیرون از مرزهای ایران باقی نمانده‌اند؛ بلکه خطر تا دروازه‌های ایران رسیده است. آمریکا در حالی از مذاکره با ایران سخن می‌گوید که همزمان از هر سو پیام‌های تهدیدآمیز تهدید به حمله، تحرکات نظامی، و فشار سیاسی روانه تهران می‌کند.

این فشارها در حالی شدت یافته‌اند که طبق گزارشی از رسانه آمریکایی The Cradle که توسط خبرگزاری شفق نیوز ترجمه شده، ارتش آمریکا به صورت مخفیانه نیروها و تجهیزات خود را از شرق رود فرات به شمال عراق منتقل کرده بدون آن‌که وزارت دفاع آمریکا هیچ اعلام رسمی در این باره داشته باشد. با چنین صحنه دیگری نمی‌توان از «مذاکره» سخن گفت؛ آنچه در واقعیت در حال وقوع است، چیز شبیه به دیکته‌های یک‌طرفه است که با چاشنی تهدید و اجبار همراه شده‌اند. این نوع رفتار ماهیت واقعی رابطه آمریکا با ایران را برملا می‌کند، گفت‌وگویی نابرابر که بیشتر به «فرمان و اطاعت» می‌ماند تا به «مذاکره».

واقعیت روشن و انکارناپذیر این است که سرنوشت تمام خیانت‌کاران و مزدوران شبیه سرنوشت پیروان شیطان است؛ همان‌گونه که الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ [حشر: ۱۶]

ترجمه: مانند شیطان که به انسان گفت کافر شو و وقتی کافر شد گفت: من از تو بیزارم چرا که من از پروردگار جهانیان می‌ترسم.

این دسته از افراد در نهایت از خدمت به دشمنان امت چیزی جز لعنت خواری و رسوایی در دنیا و آخرت نصیب‌شان نخواهد شد.

در پایان باید گفت؛ این امت شریف هرگز نمی‌تواند به عزت و کرامت واقعی برسد تا زمانی که که اداره‌اش در دست خائنان و مزدوران باشد و تنها راه حل واقعی برای رهایی مسلمانان کنار زدن این حاکمان فاسد و برپایی نظامی براساس شریعت الله سبحانه و تعالی است؛ همان راهی که عزت، قدرت و جایگاه شایسته ما در آن نهفته است.

نویسنده: أحمد الطائي - ولاية عراق

مترجم: حسین سلحشور

16 شوال 1446 ه.ق.

14 اپریل 2025 م.